ZENDEGI - SALAM
ضمیمه روزانه روزنامه خراسان
یک‌شنبه • ۲۷ فروردین ۱۳۹۶
۱۸ رجب ۱۴۳۸ • ۱۶ آوریل ۲۰۱۷
۷۳۴
۱۳۹۶/۱/۲۶

یادی از عارف لرستانی، به بهانه فوت ناگهانی‌اش

کاش رفتنت شوخی بود

عارف لرستانی، بازیگر مجموعه‌های طنزی مثل «قهوه تلخ»، «شوخی کردم»، «مرد دوهزارچهره» و «درحاشیه»، جمعه شب دنیا را وداع کرد. همین چندوقت پیش بود که در برنامه «دورهمی» گفت: «برای من، مرگ بزرگ‌ترین راز زندگی است؛ نه اینکه از آن بترسم یا منتظرش باشم ولی هروقت بیاید، رازش برایم برملا می‌شود». و مرگ بی‌خبر و ناباورانه به سراغش آمد. علت فوت مرحوم لرستانی را سکته قلبی اعلام کرده‌اند، اما روایت‌های متفاوتی دراین‌باره وجود دارد؛ خشایار الوند (فیلمنامه نویس) در گفت‌وگو با خبرآنلاین گفته‌است: «طبق شنیده‌های من ظاهرا دیشب ایشان سکسکه‌اش می‌گیرد و چون مدت طولانی سکسکه‌اش بند نمی‌آمده به همراه همسرش به بیمارستان می‌روند. آنجا دو آمپول آرامبخش -البته دقیق نمی‌دانم-، به او تزریق می‌شود و به خانه می‌آید و می‌خوابد اما متأسفانه در خواب سکته می‌کند». همسر ایشان اما در گفت‌وگو با فارس مدعی شده که آقای لرستانی به علت خطای پزشکی فوت کرده‌است. سازمان نظام پزشکی نیز در واکنشی اعلام کرد که هنگام مراجعه مرحوم لرستانی به بیمارستان، اقدامات لازم برای ایشان انجام شده و داروهای تجویزشده سبب سکته او نشده‌است. زندگی سلام ضمن ابراز تاسف از فوت بازیگر خوب کشورمان، پرونده‌ای ویژه به ایشان اختصاص داده‌است. در این پرونده ضمن مروری بر روزشمار زندگی عارف لرستانی، یادی می‌کنیم از درگذشتگان تیم طناز مدیری. با ما همراه باشید.

زندگی و فعالیت حرفه‌ای عارف لرستانی در یک نگاه

روزشمار یک زندگی

مجید حسین‌زاده

۱۳۵۰/۱۱/۱۵

عارف لرستانی ۱۵ بهمن ۱۳۵۰ در کرمانشاه متولد شد و در همه مصاحبه‌ها یش به کرد بودنش افتخار کرده، چون معتقد بود کردها مردمی با اراده، قوی و محکم هستند.

۱۳۶۰ تا ۱۳۷۴

دوره نوجوانی لرستانی، بیشتر به مطالعه کتاب گذشت؛ خودش درباره نوجوانی اش گفته: «بیشتر وقت آزادم را کتاب می‌خواندم، حتی بیشتر از فیلم دیدن و به کتاب‌های تاریخ، ادبیات و نمایش خیلی علاقه مند بودم.» او در این سال‌ها در رشته نمایش دانشگاه هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران پذیرفته شد.

۱۳۷۷

دانشجوی سال سوم رشته نمایش و تئاتر بود و خیلی اتفاقی وارد عرصه طنز شد و برای اولین بار با مهران مدیری در یک اثر موفق همکاری کرد. خودش در این باره گفته: «سال ۷۷ به اتفاق یکی از دوستانم که در آن مقطع، یکی از دستیاران مهران مدیری بود، به ایشان معرفی شدم و در مجموعه جنگ ۷۷ برای اولین بار، جلوی دوربین قرار گرفتم.»

۱۳۷۸

در مجموعه «ببخشید شما؟» به کارگردانی مهران مدیری که به گفت وگو با صاحبان مشاغل مختلف از زاویه طنز می‌پرداخت، نقش‌آفرینی کرد.

۱۳۷۹

در مجموعه طنز «نود شب» که روایتگر روزمره‌های زندگی یک زوج جوان به زبان طنز بود، بازیگری کرد.

۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴

در این سال‌ها ، از تلویزیون فاصله گرفت و در ۴ فیلم سینمایی به نام‌های «مانی و ندا»، «معادله»، «انتخاب» و «شام عروسی» بازی کرد.

۱۳۸۸

با بازی در مجموعه «مرد دو هزار چهره» ساخته مهران مدیری به تلویزیون برگشت.

۱۳۸۹

در این سال شاهد قوی‌ترین و به یادماندنی‌ترین هنرنمایی او در سریال قهوه تلخ بودیم. تکه کلام‌های او و بازی جذابش در این سریال فراموش نشدنی است. نقش بلدالملک، آدمی بود که خودش می‌رفت روی اعصاب خودش!

۱۳۹۱

ازدواج با الهام ناصری

۱۳۹۲

باز هم عارف، باز هم مهران مدیری؛ این بار سریال: شوخی کردم! سریالی برای شبکه نمایش خانگی.

۱۳۹۳

برای اولین بار در یک مجموعه نمایش خانگی که مخاطبش کودک و نوجوان بود، در کنار ۲۵ عروسک نقش آفرینی کرد.

۱۳۹۴

در مجموعه نوروزی «در حاشیه» خوش درخشید.

بر اثر ایست قلبی درگذشت. روحش شاد.

درباره این باور غلط که کمدین‌ها بی خیال و سرخوشند

آن‌که می‌گرید یک درد دارد آن‌که می‌خندد هزار و یک درد!

قصه زندگی آدم، قصه تلخی و شیرینی است، خوبی و بدی و خیر و شرِ توام با هم است. اصلا عالم، مجموعه ای از این مفاهیم متناقض و متضاد است. به همین دلیل، گریه و خنده، دو روی یک سکه‌اند و اگر نگاهی غیر از این به دنیا داشته‌باشیم، یک جای کارمان می‌لنگد و دچار توقعات بیجا از دنیا، زندگی و آدم‌ها می‌شویم. نگاه تک‌بعدی به هر چیزی ناقص است، به ویژه به آدم‌ها! نگاه تک‌بعدی که بدون شناخت یکپارچه از افراد شکل می‌گیرد، نه‌تنها ما را دچار خطا و اشتباه می‌کند، بلکه گاهی موجب بی‌انصافی و ظلم نسبت به آدم‌های دور و برمان هم می‌شود و ما را در دام قضاوت‌های عجولانه می‌اندازد. یکی از این شناخت‌ها و تفکرات اشتباه درباره کمدین‌ها و هنرمندانی است که به شیوه‌های گوناگون، گل خنده را روی لب‌های ما می‌کارند. شاید بسیار شنیده‌باشید که کسی در حال تماشای یک فیلم کمدی شاد با حالت غمگین یا خشم بگوید: «این بابا هم دلش خوشه»! یعنی بعضی‌هایمان فکر می‌کنیم کسی که آن طرف دوربین هزار و یک حرف می‌زند و هزار و یک به قول بعضی‌ها ادا و اطوار درمی‌آورد تا ملت را بخنداند، دل بی‌غصه‌ای دارد و اصلا حالی‌اش نمی‌شود درد و غم یعنی چه؟ چه می‌داند اجاره‌خانه چه بلایی سر آدم می‌آورد و بیماری با جان آدمیزاد چه می‌کند؟ اصلا انگار دنیا به کام آن‌هاست و از بیکاری رومی‌آورند به خنداندن مردم و... ولی این وسط فراموش می‌کنیم که مگر می‌شود زندگی و روزگار، حتی برای طنزپردازان و کمدین‌ها ، تنها بر یک پاشنه بچرخد؟ این حکمی است که برای زندگی آدمیزاد بریده‌اند که سختی و آسانی‌اش با هم آمیخته‌باشد و طنازان و کمدین‌هایی مثل عارف و عارف‌ها هم مثل هر کس دیگری دلشان می‌گیرد، عصبی می‌شوند، شکست می‌خورند، طرد و غمگین می‌شوند و ای کاش با پذیرش این واقعیت، نگاهی واقع بینانه به چهره‌های طنز کشورمان داشته باشیم، بهتر و عمیق‌تر درکشان کنیم، به خلوت و حریم شخصی‌شان احترام بگذاریم و حتی تحسینشان کنیم بابت اینکه با وجود تمام مسائل ریز و درشتی که به حکم انسان بودن با آن دست به گریبانند، باز هم می‌خندند و می‌خندانند!

فروردین‌های تلخ

الهه توانا- بعضی آدم‌ها آن‌قدر کنار هم بودنشان خوب و انرژی بخش است که دلمان نمی‌خواهد هیچ‌وقت آن‌ها را از هم جدا ببینیم. بعضی آدم‌ها آن‌قدر عزیز هستند و آن‌قدر برای حال خوب ما تلاش می‌کنند که طاقت نداریم ناراحتی و ناخوشی و رفتنشان را باور کنیم. گروه بازیگران شاخص ترین برنامه‌ها و سریال‌های طنز تلویزیون به سرگروهی مهران مدیری هم، جزو این آدم‌های همیشه محبوب هستند؛ همان‌هایی که وقتی خبر بدی راجع بهشان می‌شنویم، برایشان به اندازه نزدیک‌ترین آدم‌های زندگیمان، غصه‌دار می‌شویم. حالا با درگذشت عارف لرستانی، دوباره داغمان به خاطر از دست رفتن آن‌هایی که به حالِ خوب و کنارِ هم بودنشان عادت داشتیم، تازه شد. یادی می‌کنیم از این عزیزان که در آثار مدیری حضور پررنگی داشتند.

پوپک گلدره

پوپک گلدره، یکی از بازیگران مجموعه «ساعت خوش» بود که فوت نابه‌هنگامش آن‌هم در جوانی، خیلی‌هایمان را شوکه و اندوهگین کرد. پوپک گلدره رفیقِ خوبِ کودکی‌هایمان -به‌خاطر بازی در «دنیای شیرین دریا»- ۱۱ سال پیش در چنین روزی فوت کرد. آخرین اثری که از او به‌خاطر داریم، سریال «نرگس» سیروس مقدم است؛ گلدره اواسط بازی در این سریال بود که براثر تصادف به کما رفت و هشت‌ماه بعد در ۳۵سالگی از بین ما رفت.

داوود اسدی

داوود اسدی هم مثل پوپک گلدره در جوانی و در فروردین ماه درگذشت. از اسدی، «ساعت خوش» و «پرواز ۷۲ » (به کارگردانی مدیری)، «گل‌های ۷۷» (به کارگردانی غفوریان) و «نوروز ۷۲ » (به کارگردانی داریوش کاردان) را به یاد داریم. این بازیگر در سال ۸۷، وقتی تنها ۳۸ سال داشت، بر اثر سکته قلبی درگذشت.

عارف‌لرستانی

عارف لرستانی، یارِ مجموعه کارهای تلویزیونی مدیری، روز گذشته بر اثر سکته قلبی و در ۴۶ سالگی درگذشت. لرستانی از سال‌های دور با «جُنگ ۷۷» و «ببخشید شما» و در سال‌های اخیر با «شوخی کردم»، «ویلای من» و «قهوه تلخ»، پای ثابتِ دورهمی‌ها و خوشی‌ها و خنده‌هایمان بود. برای همین است که وقتی خبر فوتش را شنیدیم، یاد لحظاتی افتادیم که ما را خنداندبود، بسیار خنداندبود؛ برای همین است که حالا با لبخندی غمبار برایش طلب آرامش و آمرزش می‌کنیم.

هنرمندان از عارف‌لرستانی می‌گویند

درگذشت عارف لرستانی، بازیگر بی حاشیه سینما و تلویزیون، اتفاق غم‌انگیزی است که قلب همه همکاران و مخاطبان آثارش را به درد آورد. زندگی‌سلام به همین بهانه گپ کوتاهی با دونفر از همکاران لرستانی داشته که خواندنی و قابل تامل است.

■ **عارف، آرام اما پرهیجان بود**

خشایار الوند، فیلم نامه نویس مطرح کشورمان که سریال‌های «قهوه تلخ» و «شوخی کردم» از جمله کارهای اوست، درباره عارف لرستانی می‌گوید: «عارف مرد بسیار خوب و با اخلاقی بود. به شدت از حاشیه دوری می‌کرد و از این کار متنفر بود که بخواهد برای گرفتن نقشی که دوست دارد از روابطش استفاده کند. مرحوم لرستانی غرور عجیبی داشت و البته از این غرور به درستی استفاده می‌کرد.

عارف هم آرام بود و هم پر هیجان؛ آرام از این نظر که همیشه سرش به کار خودش بود و پر هیجان به این دلیل که بسیار می‌دیدم در بازی‌ها و ورزش‌های دسته جمعی هنرمندان، هفته ای سه جلسه با چه شور و نشاطی شرکت می‌کرد. نکته جالب توجه در مورد عارف این بود که او همان طور که در برنامه دورهمی گفت خیلی زیاد به مرگ فکر می‌کرد و همیشه به فکر مرگ بود.»

■ **طناز اما درونگرا**

آرام جعفری، بازیگر سینما و تلویزیون هم که در سریال قهوه تلخ با لرستانی همکار بود، درباره او می‌گوید: «عارف لرستانی یک قلب بزرگ داشت؛ همه آدم‌ها را دوست داشت و هیچ وقت برای کسی بد نمی‌خواست. در ارتباط با دوستانش بسیار خونگرم و با محبت رفتار می‌کرد و خیلی زود با آدم‌ها ارتباط برقرار می‌کرد. با اینکه بیشتر آثارش طنز بود و خیلی وقت‌ها حرف‌هایی می‌زد و کارهایی می‌کرد که همه را می‌خنداند اما بیشتر اوقات آدم درونگرایی بود. ای کاش فرصتی برای خداحافظی و طلب حلالیت از او داشتم.»

مرور یک مصاحبه متفاوت؛

پاسخ‌های کوتاه عارف به ۱۶ سوال قابل‌تامل!

یکی از متفاوت‌ترین مصاحبه‌های عارف لرستانی پیش از فوتش، گفت و گویی است که در سال ۱۳۹۳ با مجله زندگی ایده‌آل داشته است. سوال و جواب‌هایی که بُعد متفاوتی از شخصیتِ کمدین طنازی که همیشه بر صفحه تلویزیون دیده بودیم رو می‌کند. با هم بریده‌ای از این مصاحبه متفاوت را مرور می‌کنیم.

■ **آخرین باری که از ته دل خندیدی؟**
وقتی بچه بودم.

■ **آخرین باری که گریه کردی؟**
تقریبا هر روز.

■ **آخرین باری که دل کسی را شکستی؟**
همیشه سعی می‌کنم این کار را انجام ندهم.

■ **آخرین باری که قهر کردی؟**
تقریبا ۲ سال پیش بود و دو ماه پیش آشتی کردیم.

■ **آخرین باری که دروغ گفتی؟**
همین امروز صبح.

■ **آخرین باری که نه گفتی؟**
یادم نیست.

■ **آخرین جمله تاثیر گذاری که شنیدی چه بود؟**
یک جمله که خودم به خودم گفتم: یا درست زندگی کن یا بمیر.

■ **آخرین باری که برای خودت وقت گذاشتی کی بود؟**
هر شب بعد از اینکه همسرم می‌خوابد من بیدارم و معمولا کارهایم را انجام می‌دهم.

■ **آخرین باری که به خودت افتخار کردی کی بود؟**
هیچ‌وقت.

■ **آخرین باری که احساس مهم بودن کردی؟**
هیچ‌وقت.

■ **آخرین باری که غصه خوردی؟**
همیشه، من هر روز غصه دارم.

■ **آخرین باری که دلتنگ شدی؟**
تقریبا همیشه برای نزدیکانم که رفته‌اند، دلتنگم.

■ **آخرین کاری که انجام دادی و از آن پشیمانی؟**
کاری انجام نداده‌ام که پشیمان باشم.

■ **آخرین باری که دوست‌داشتی جای فرد دیگری باشی؟**
هیچ‌وقت.

■ **آخرین باری که ناامید شدی؟**
هیچ‌وقت.

■ **آخرین باری که از تنهایی ات لذت بردی ؟**
هر شب از تنهایی‌ام لذت می‌برم.